



۱۵ دلیل عمده شکست و ناکامی

ناپلئون هیل - کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید

بزرگ‌ترین تراژدی زندگی، وجود زنان و مردانی است که صمیمانه تلاش می‌کنند و شکست می‌خورند. شمار این عده در مقایسه با افراد موفق بسیار بیشتر است. در این مقاله درباره ۱۵ علت شکست و ناکامی با شما سخن گفته می‌شود.

۱. نداشتن هدف مشخص در زندگی

برای کسانی که هدف مشخصی را در زندگی دنبال نمی‌کنند و کسانی که راستایی برای حرکت ندارند شانس موفقیت چندانی وجود ندارد. از هر ۱۰۰ نفری که با آن‌ها گفت‌وگو کردم ۹۸ نفر فاقد این برنامه بودند. هدفی نداشته و احتمالاً این مهم‌ترین علت ناکامی آن‌ها بود.



۲. نداشتن اشتیاق برای پیشرفت و ترقی

کسانی که به پیشرفت و ترقی بی‌علاقه‌اند و آن‌هایی که مایل نیستند بهای ترقی و پیشرفت را بپردازند، شانسی برای موفقیت ندارند.

۳. تحصیلات ناکافی

تحصیل ناکافی مشکل فلج‌کننده‌ای است اما می‌توان این کمبود را به سهولت نسبی برطرف نمود. تجربه ثابت کرده است که تحصیل‌کرده‌ها خودساخته یا خودآموز شناخته می‌شوند. برای قرارگرفتن در شمار تحصیل‌کرده‌ها به بیش از یک مدرک دانشگاهی نیاز است. آموزش‌دیده کسی است که می‌تواند خواسته‌هایش را بدون خدشه‌دار ساختن حقوق دیگران برآورده سازد. تحصیل تنها مسئله دانش را دربر نمی‌گیرد بلکه مشمول دانشی می‌شود که به صورت موثر مورد استفاده قرار می‌گیرد. به اشخاص به خاطر آنچه می‌دانند حقوق نمی‌دهند. اشخاص با توجه به کاری که با این علم و دانش خود می‌کنند دستمزد می‌گیرند.

۴. نداشتن نظم و ترتیب

نظم و ترتیب ناشی از کنترل خویشتن است، معنایش این است که بتوان کیفیت منفی خود را کنترل کرد. قبل از اینکه بتوانید شرایط را کنترل کنید باید ابتدا خود را کنترل کنید. تسلط بر خویشتن دشوارترین کاری است که هرکس می‌تواند بکند. اگر بر خود مسلط نباشید، این «خود» بر شما مسلط می‌شود. اگر در برابر آینده‌ای بایستید می‌توانید در آن بهترین دوست یا بدترین دشمن خود را ببینید.

۵. تنبلی و مسامحه

مسامحه و امروز و فردا کردن یکی از علل مهم شکست و ناکامی است. این کیفیت به گونه‌ای در همه وجود دارد؛ در کمین ایستاده تا موفقیت را از اشخاص برباید. اغلب ما در زندگی از آن رو شکست می‌خوریم زیرا در انتظار رسیدن «زمان مناسب» هستیم. بهانه‌سازی می‌کنیم که برای انجام کار مورد نظرمان باید تا فراهم



آمدن زمان مناسب صبر کنیم. صبر نکنید و منتظر نمانید زیرا زمان مناسب هرگز از راه نمی‌رسد. از همین جایی که هستید شروع کنید و از ابزاری که در اختیار دارید استفاده کنید. وقتی دست‌به‌کار شدید ابزار بهتری پیدا می‌کنید.

۶. نداشتن مداومت و پشتکار

اغلب ما آغازگرهای خوبی هستیم اما تمام‌کننده‌های خوبی نیستیم. از آن گذشته بسیاری از اشخاص با مشاهده نخستین نشانه‌های شکست و ناکامی دست از کار می‌کشند و این در حالی است که جایگزینی برای مداومت و پشتکار وجود ندارد. کسی که مداومت می‌کند مشکل را از پیش روی خود برمی‌دارد. مشکل را خسته می‌کند تا راه خود را بگیرد و برود. پشتکار و مداومت شکست و ناکامی را محو می‌کنند.

۷. شخصیت منفی

کسی که با دید منفی به اشخاص و امور نگاه می‌کند شانس برای موفقیت ندارد. موفقیت با کاربرد و اعمال قدرت حاصل می‌شود و قدرت نیز ناشی از تلاش‌های تعاونی سایرین است. شخصیت منفی همکاری را جلب نمی‌کند.

۸. نداشتن عزم راسخ در تصمیم‌گیری

اشخاص موفق به راحتی تصمیم می‌گیرند. اشخاصی که در تصمیم‌گیری کند عمل می‌کنند و مرتب در تصمیمات خود تجدید نظر می‌کنند اغلب در شمار ناموفق‌ها هستند. تردید در تصمیم‌گیری و مسامحه‌کاری برادران دوقلو هستند. هر جا یکی از آن‌ها وجود داشته باشد، به احتمال زیاد دیگری هم وجود دارد. این زوج را نابود کنید و اجازه ندهید که شما را به شکست و ناکامی سوق دهند.

۹. احتیاط بیش از اندازه

کسی که به دلیل احتیاط بیش از اندازه دست‌به‌کار نمی‌شود، به اجبار پس‌مانده‌ها



و باقیمانده‌های دیگران را نصیب می‌برد. احتیاط بیش از اندازه به همان اندازه بی‌احتیاطی بد است. باید در برابر این دو افراط و تفریط ایستاد. زندگی پر از فرصت‌های مناسب است.

۱۰. انتخاب همکاران اشتباه

این یکی از دلایل عمده شکست در فعالیتهای اقتصادی است. هنگام ارائه خدمات شخصی باید کارفرمای بسیار مناسبی انتخاب شود. کارفرمایی الهام‌بخش که از فراست لازم برخوردار باشد. کسی را برای همکاری انتخاب کنید که ارزش همکاری را داشته باشد.

۱۱. انتخاب شغل نامناسب

موفق شدن در کاری که آن را دوست ندارید امکان‌پذیر نیست. مهم‌ترین قدم در ارائه و فروش خدمات شخصی، انتخاب حرفه‌ای است که بتوانید با تمام وجود به آن بپردازید.

۱۲. فعالیت‌های غیرمتمرکز

همه‌کاره و هیچ‌کاره نمونه‌ای است که آن را زیاد شنیده‌ایم. به جای پرداختن به انواع و اقسام فعالیت‌ها، همه تلاش خود را روی یک هدف قطعی متمرکز سازید.

۱۳. داشتن دلگرمی

بدون دلگرمی نمی‌توان دیگران را مجاب کرد. از آن گذشته اشتیاق و دلگرمی سرایت می‌کند و کسی که از آن بهره‌مند است با استقبال دیگران روبه‌رو می‌شود.

۱۴. ناتوانی در همکاری با دیگران

خیلی‌ها، از آن جهت که نمی‌توانند با دیگران همکاری کنند فرصت‌های مناسب زندگی خود را از دست می‌دهند.



ناتوانی در همکاری با دیگران مشکلی است که در هیچ حرفه‌ای قابل قبول نیست.

۱۵. نداشتن صداقت

چیزی که بتوان آن را جایگزین صداقت کرد وجود ندارد. ممکن است کسی تحت تاثیر شرایط موقتا صداقتش را کنار بگذارد؛ اما کسی که به عمد صداقتش را کنار می‌گذارد، شانسی ندارد دیر یا زود اعتبار و اشتهارش را از دست می‌دهد و بعید نیست که در این میان آزادی او بر باد رود.